

ISBN 978-964-380-781-8 گزیده مقالات سیاسی ۱۹۱۹-۱۹۲۹ ترجمه امید مهرگان نشر نی	Georg Lukács Schriften zur Ideologie und Politik 1929-1955 Herausgegeben von Hans-Joachim Lauth Suhrkamp Verlag Frankfurt am Main 1971
---	---



ISBN 978-964-380-781-8
 گزیده مقالات سیاسی ۱۹۱۹-۱۹۲۹
 ترجمه امید مهرگان
 نشر نی

Georg Lukács
 Schriften zur Ideologie und Politik
 Hermann Luchtmann Verlag, Bonn, 1967

تزه‌های بلوم

گزیده مقالات سیاسی ۱۹۱۹-۱۹۲۹

گئورگ لوکاچ

ترجمه امید مهرگان



ISBN 978-964-380-781-8

info@nashrpub.ir

فهرست

۹	یادداشت مترجم
۱۷	تاکتیک و اخلاق
۶۵	خطابه در کنگره کارگران جوان
۶۹	«نظم قانونی» و خشونت
۷۹	نقش اخلاق در تولید کمونیستی
۸۷	درباب پرسش پارلمانتاریسم
۱۰۳	اپورتونیسیم و پوچیسیم
۱۱۷	بحران سندیکالیسم در ایتالیا
۱۳۳	خودانگیختگی توده‌ها، فعالیت حزب
۱۴۷	بار دیگر، سیاست توهم
	تزه‌های بلوم: تزهایی درباره وضعیت سیاسی و اقتصادی در مجارستان و
۱۵۷	درباره وظایف حزب کمونیست مجارستان (منتخب)
۱۹۵	پیوست
۱۹۷	مفهوم «دیکتاتوری دموکراتیک» در فلسفه سیاسی گئورگ لوکاچ / پتر لوتس
۲۴۳	نمایه اسامی
۲۴۹	نمایه موضوعی

یادداشت مترجم

خطای مُهلک در نگرش تاریخیِ سوسیال دموکراسیِ آلمان این بود: طبقه کارگر باید برای نسل‌های آینده در هیئت منجی ظاهر می‌شد. در حالی که، برعکس، طبقه کارگر باید قاطعانه نیروی رستگاری بخش خویش را برای نسل‌های سپری‌شده پیش از خود نگه دارد.

والتر بنیامین، از یادداشت‌های مقدماتی برای
تزه‌های فلسفه تاریخ

کتاب حاضر شامل گزیده مهم‌ترین مقالات سیاسی گئورگ لوکاچ در دهه ۱۹۲۰ است، به انضمام واپسین سال از دهه پیشین. این دهه دوره‌ای به‌غایت تعیین‌کننده نه فقط برای حیات فکری خود لوکاچ، بلکه به‌واقع برای سرنوشت کل اروپا بود. سال ۱۹۱۸ که لوکاچ در ۱۸ دسامبر آن به حزب کمونیست مجارستان پیوست — و احتمالاً اولین مقاله سیاسی مارکسیستی‌اش ('بلشویسم به‌مثابه مسئله‌ای اخلاقی') را در همان سال نوشت — آغازگر دوره‌ای پرتنش، بحرانی، و در عین حال هیجان‌انگیز و امیدبخش برای روشنفکران و فعالان چپ‌گرای اروپا، خاصه آلمان، بوده است؛ دهه‌ای که

روشنفکران اروپایی واپسین تلاش خود را برای فراچنگ آوردن بختِ تحقق‌بخشیدن به پروژه‌ی رهایی‌بخشی به خرج دادند و نهایتاً شکست خوردند. بر راه نیست اگر بگوئیم از یک سو والتر بنیامین (۱۸۹۲-۱۹۴۰) فیگور یا سیمای ناب این تلاش و نیز شکست متعاقب آن (با ظهور ارتجاع نازیسم) بود و در سوی دیگر، گئورگ لوکاچ (۱۸۸۵-۱۹۷۱) فیگور تلاش پی‌درپی برای نپذیرفتن تام‌وتمام این شکست؛ کسی که هر بار، در هر برهه‌ای، با کوشش فعالانه فردی، با مداخله سیاسی و نوشتاری و با ابداع مجدد مفاهیم می‌کوشید راه دیگری بیاید. او از مواجهه مستقیم با این شکست پرهیز داشت و تا آخر هم سرانجام به‌تمامی بر آن صحه نگذاشت.

دهه ۱۹۲۰ زمان چندانی از وقوع انقلاب ۱۹۱۷ روسیه نگذشته بود، جنگ جهانی اول به‌تازگی خاتمه یافته بود، آلمان رفته‌رفته با عصر ویلهلمی وداع می‌گفت، بخت‌واقالی برای گشایش سیاسی و حتی انقلاب سوسیالیستی به‌وجود آمده بود، و مجارستان نیز به‌سوی تجربه نخستین انقلاب کمونیستی در سراسر اروپا می‌رفت، انقلابی که در ۱۹۱۹، به‌رهبری بلاکون، تحت‌عنوان جمهوری شوروی مجارستان، تحقق عینی یافت ولی فقط ۱۳۳ روز (از ۲۱ مارس تا ۶ آگوست) دوام پیدا کرد، و با اشغال بوداپست به‌دست قوای رومانیایی فروپاشید. چه در این انقلاب و چه در قیام خودانگیخته و سراسری توده‌های مجار در ۱۹۵۶ در برابر حکومت دست‌نشانده مجارستان که زیر سلطه مسکو بود، گئورگ لوکاچ نقش فعالانه و پرشوری داشت: مقالات متعددی نوشت، دخالت‌های نظری بسیاری کرد، در مناقشات شرکت جست، و حتی برای مدتی کوتاه، در دولت کمونیستی نه‌چندان پایدار مجارستان (به‌رهبری ایمره ناگی) در ۱۹۵۶، سمت وزارت فرهنگ را برعهده گرفت. به‌واقع لوکاچ همواره هرگاه بخت و اقبالی برای گشوده‌شدن فضای سیاست پیش می‌آمد (که این بخت در حول و حوش دهه ۱۹۲۰ رخ نمود)، به مخاطره

قدم گذاشتن بر صحنه و دست‌زدن به انتخاب و موضع‌گیری تن می‌سپرد، و همین آمادگی همیشگی او بود که از پیچش‌ها و چرخش‌های گوناگون و اغلب متضادی را در سیر حیات فکری و نمادین او رقم زد، و بعضاً موجب شد جریان اصلی و غالباً دولتی مارکسیسم او را تا حدی پس زند. باری، دهه ۱۹۲۰، گذشته از اروپای پس از جنگ بزرگ، در حیات فکری خود لوکاچ نیز نقطه عطفی سرنوشت‌ساز بود.

اگر از تقسیم‌بندی رایج حیات فکری لوکاچ پیروی کنیم (که منطبق انضمامی و روشنی هم دارد)، باید گفت لوکاچ جوان با جریان نوکانت‌گرایی آلمانی و نقد فلسفه ایده‌آلیستی آلمان درگیر بود. او مدت زیادی را در برلین گذراند و با کسانی چون گئورگ زیمل، ماکس وبر، ارنست بلوخ، اشتفان گئورگه و غیره آشنا شد.^۱ دو کتاب *جان و فرم‌ها* (مجموعه مقالات، ۱۹۱۰) و *نظریه رمان* (۱۹۱۶) متعلق به همین فاز پیشامارکسیستی اویند. البته لوکاچ در همین دوره نیز به لطف دوستی با اروین سابو آنارکو سندیکالیست اهل مجارستان، با حلقه‌های سوسیالیستی متعددی پیوند یافته بود؛ و این سابو بود که او را با آثار ژرژ سورل^۲ فرانسوی آشنا کرد، همان سندیکالیست معروف که در دوره‌ای بر کار والتر بنیامین نیز تأثیر گذاشته بود. لوکاچ پس از سپری کردن زمانی طولانی در آلمان و بازگشت به بوداپست، حلقه معروف به حلقه یک‌شنبه یا حلقه لوکاچ را به‌راه انداخت که بیش‌تر به مضامین فرهنگی می‌پرداخت و مشخصاً درگیر نوشته‌های داستایوفسکی بود (کسانی چون کارل مانهایم، بلا بارتوک، بلا بلاژ و دیگران در جلسات آن حضور

۱. جلد دیگری (احتمالاً پنجمین جلد) در همین سری از گزیده آثار گئورگ لوکاچ حاوی نوشته‌های فلسفی او خواهد بود که به‌خوبی گویای این درگیری و نحوه رشد و تحول فکری اوست؛ بالاخص در نوشته کوتاه *راه من به‌سوی مارکس*، که در اوایل دهه ۱۹۲۰ نوشت شده است.